

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.340229.3415>

The model has an interrogator in the system of preliminary research, farewell and pathology

Abstract

The model has an investigator based on the separation of the prosecution stages from the investigation. The investigator and the prosecutor are jointly responsible for conducting the preliminary investigation stage. The decision on the adequacy or inadequacy of the evidence against the accused is closely related to the concept of impartiality with the concept of impartiality. The prosecutor has been the representative of the government in conducting preliminary investigations. Prosecutors, as investigators, do not have the ability to make impartial judgments about the most important rights of individuals.

Keywords: pathology, preliminary research, competence

مدل دارای بازپرس در نظام تحقیقات مقدماتی، تودیع و آسیب شناسی

بهشاد دیدبان تاش^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۰

دکتر مصطفی فروتن^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۷

دکتر ایمان یوسفی^۳

چکیده

مدل دارای بازپرس بر مبنای تفکیک مراحل تعقیب از تحقیق شکل گرفته است بازپرس و دادستان در کنار هم عهده دار انجام مرحله تحقیقات مقدماتی میباشد بازپرس در کنار شان تحقیقی خود واجد شأن قضایی هم است که مبنای آن اقدام به سلب حق آزادی افراد یا حریم خصوصی ایشان و نیز تصمیم گیری راجع به کفایت یا عدم کفایت ادله اثباتی علیه متهم می نماید بازپرس به عنوان نهاد قضایی مرحله تحقیقات مقدماتی با مفهوم بی طرفی ارتباطی تنگاتنگ دارد تفکیک مرحله تعقیب و تحقیق و سپردن تعقیب به دادستان و تحقیق به بازپرس با هدف جلوگیری از ورود دادستان به عنوان نماینده دولت در انجام تحقیقات مقدماتی بوده است دادستان به عنوان مقامی که به نمایندگی از طرف جامعه به دنبال تعقیب و برخورد با جرائم است نمی تواند بدون جانبداری عمل نماید علت اصلی استفاده از نهاد ها را باید در این موضوع دانست که بازپرس یا دادستان به عنوان مقامات تحقیق توانایی قضاوت بی طرفانه راجع به مهم ترین حقوق افراد را ندارند بنابراین، بازپرس مقامیست که شخصاً با دلایل جرم مواجه شده است و در تماس مستقیم با احساسات بزه دیده و بزهکار قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: آسیب شناسی، تحقیقات مقدماتی، صلاحیت

^۱ دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم شناسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

behshad. D@Yahoo.com

^۲ دکترای حقوق جزا و جرم شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

forutanmostafa@gmail.com

^۳ دکترای حقوق جزا و جرم شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

Iman.usefi@yahoo.com

تحقیقات مقدماتی که شخص بازپرس انجام می دهد اساس و پایه یک پرونده کیفری است و دقت هوشیاری و سرعت عمل توأم با رعایت عدالت و انصاف رسیدگی به پرونده را در مرحله بعدی روانتر و تسهیل می کند.

مقامی که در دادسرا علاوه بر بازپرس، اجازه انجام تحقیقات را دارد، دادستان است. و در صورت نبودن بازپرس، دادستان اجازه انجام تحقیقات را خواهد داشت اما دادستان همچون بازپرس اجازه تحقیقات در کلیه جرائم را ندارد.

بازپرس نهادی است که بعنوان یک قاضی، عهده دار انجام تحقیقات مقدماتی بوده و نام آن با نظام تفتیشی گره خورده است؛ بازپرس به مفهوم مدرن خود به عنوان قاضی تحقیق که واجد دو شأن تحقیقی و قضایی است از بعد از انقلاب فرانسه وارد واژگان آیین دادرسی کیفری شد.^۱

با هدف رعایت حقوق دفاعی متهم و تحقق برخی دیگر از اصول راهبردی دادرسی های کیفری از جمله اصل بی طرفی و تساوی افراد در برابر قانون و رعایت اصل تساوی سلاح ها در مرحله تحقیقات مقدماتی و به موجب ماده ۹۲ اصلاحی مورخ ۹۴/۰۳/۲۴ از قانون آیین دادرسی کیفری مرجع انجام تحقیقات مقدماتی تمام جرایم بازپرس است و دادستان نیز در جرایم غیر از موضوع ماده ۳۰۲ آن قانون اجازه انجام تحقیقات مقدماتی دارد البته این بدین معنا نیست که دادستان در جرایم مهم حق هیچ گونه دخالتی نداشته باشد بلکه در جرایم مهم موضوع بند های الف، ب، پ، ت ماده ۳۰۲ در صورت مشهود بودن تا قبل از حضور و مداخله بازپرس، دادستان نیز برای حفظ آثار و علائم، جمع آوری ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم اقدامات لازم به عمل می آورد اما اجازه تصمیم گیری نهایی در این خصوص به دادستان داده نشده است بلکه در این جرایم در صورت عدم حضور بازپرس یا معذور بودن وی از انجام وظیفه و عدم دسترسی به بازپرس دیگر در آن دادسرا دادرس دادگاه به تقاضای دادستان و تعیین رئیس حوزه قضایی وظیفه بازپرس را فقط تا زمان باقی بودن وضعیت مزبور انجام می دهد به موجب نظریه شماره ۷/۹۳/۱۶۰۹ مورخ ۹۳/۷/۸ ادره کل حقوقی قوه قضاییه منظور را از دادرسی که به جانشینی بازپرس در این موارد اتخاذ تصمیم می نماید اعم از دادرسی علی البدل و رئیس شعبه دادگاه عمومی است که در صورت نبودن دادرس علی البدل یا رئیس دادگاه عمومی جزایی ارجاع موضوع با تعیین رئیس حوزه قضایی به رئیس دادگاه عمومی حقوقی بلا مانع است آنچه حائز اهمیت است آنکه در زمان انجام تحقیقات، دادرس یا رئیس دادگاه جزایی دیگر از شأن ریاست یا دادرس بودن برخوردار نیستند به جانشینی از بازپرس تصمیم گیری می نمایند و کلیه تصمیماتی که از سوی باز پرس اتخاذ می شود و مستلزم تأیید دادستان است در صورت اتخاذ تصمیم از سوی دادرس یا رئیس دادگاه جزایی نیز باید به تأیید دادستان برسد و در صورت صدور قرار جلب دادرسی، کیفرخواست توسط دادستان صادر می گردد از جمله موارد دیگری که دادستان یا دادیار اجازه تحقیقات مقدماتی یا اتخاذ تصمیم نهایی ندارند جرائم ارتكابی افراد ۱۵ تا ۱۸ سال است که در دادسرای ویژه نوجوانان و توسط بازپرس صورت می پذیرد از آنجا که انجام تحقیقات مقدماتی مبتنی بر سیستم تفتیشی می باشد از ویژگی

۱ - گاستون. استفانی و لوسور ژرژ و بلوک. برنا (۱۳۷۷) آیین دادرسی کیفری. ترجمه حسن دادیان. جلد اول. چاپ اول. تهران. انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

۲ - آشوری. محمد (۱۳۸۰). آیین دادرسی کیفری. جلد دوم. چاپ دوم. تهران. انتشارات سمت.

های مهم این سیستم:

۱- رسیدگی به طور غیر علنی است: تحقیقات مقدماتی به صورت غیر علنی انجام می‌شود و افرادی که در پرونده سمتی ندارند نمی‌توانند در هنگام تحقیقات مقدماتی حضور داشته باشند. حتی کسانی هم که دارای سمت قانونی هستند باید با اجازه مقام قضایی و به ترتیبی که در قانون مقرر گردیده حضور یابند.

وکیل مدافع متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی حق مطالعه پرونده را دارد و بازپرس به هیچ عنوان نمی‌تواند مانع شود مگر اینکه مطالعه پرونده را منافی با محرمانه بودن محتویات آن یا کشف حقیقت بداند که در این صورت با صدور قرار عدم دسترسی به پرونده مانع از دسترسی متهم و وکیل وی به پرونده می‌شود. در این رابطه متهم و وکیل وی، حق اعتراض به قرار عدم دسترسی به پرونده را دارند.

در تحقیق از شاکی و متهم باید بین جرایم قابل گذشت و غیرقابل گذشت تفکیک قائل شویم و در پرونده‌هایی که قابل گذشت است چون شکل‌گیری پرونده و تشکیل پرونده با شکایت شاکی می‌باشد و او نقش مهم و اساسی در شروع تعقیب داشته است، تحقیق و بازجویی باید با حضور طرفین دعوا باشد تا در صورت امکان و در وهله اول آنها به صلح و سازش دعوت شوند امکان ختم قضیه و فصل خصومت فراهم شود.

۲- محتویات پرونده به صورت سری است: تمام محتویات پرونده کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی کاملاً سری می‌باشد و افشای اطلاعات جز در مواردی که به موجب قانون ضرورت دارد ممنوع می‌باشد. پس باید توجه داشت محرمانه بودن تحقیقات به معنی ممنوعیت افشای این اطلاعات است. تحقیقات مقدماتی از وظایف بازپرس می‌باشد رعایت اصل بی طرفی به عنوان یک رکن اساسی فقهی و حقوقی فقط اختصاصی به مرحله دادرسی در دادگاه ندارد بلکه در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز باید اصل بی طرفی رعایت شود. دادستان به عنوان شخصی که به نیابت از جامعه وظیفه تعقیب متهم عهده دار است هر چند که وظیفه دارد به موجب قانون تعقیب متهم را پیگیری و از هر گونه اقدام خودسرانه خودداری کند اما جمع شدن وظیفه تعقیب و ویژگی بی طرفی در یک مقام دشوار و غیر قابل پذیرش است و به همین جهت در مقررات قوانین شکلی به بی طرفی دادستان تصریح نشده است^۱ در حالی که به بی طرفی بازپرس که از وظیفه بی طرفی برخوردار است همواره تاکید شده است^۲. بازپرس حدود دو قرن وجه ممیزه ی نظام تفتیشی و اتهامی به حساب می‌آید مبنای اصلی پیدایش این نهاد و تفکیک مراحل تعقیب و تحقیق رعایت اصل بی طرفی در مرحله ی تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری بوده است در واقع حضور بازپرس به عنوان عامل ساختاری تحقق بی طرفی و مانع ورود دادستان به عنوان نماینده دولت در امر جمع آوری دلایل مرتبط با جرم خواهد بود^۳ نظام های دارای بازپرس مبتنی بر ساختار حقوقی تفکیک مرحله تعقیب از مرحله تحقیق بنا نهاده شده اند زیرا برخلاف دادستان که نماینده جامعه محسوب می‌شود.

قاضی باید اصل بی طرفی را رعایت کند و در رفتار و گفتارش جانبداری از هر کدام از طرفین را کنار بگذارد و تصمیم عادلانه بگیرد اما از آنجایی که دادستان اصولاً به عنوان نماینده جامعه می‌باشد، در تلاش است که وسایل توجه اتهام به متهم را کشف و احراز کند و نه برائت وی را. بازپرس قاضی بی طرفی است که

۱ - خالقی. علی (۱۳۹۵) نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. چاپ هفتم.

۲ - طهماسبی. جواد (۱۳۹۵) آیین دادرسی کیفری. جلد دوم. تهران. نشر میزان.

۳ - قانون آیین دادرسی کیفری. ماده ۹۳.

۴ - یوسفی. ایمان (۱۳۹۵) آیین دادرسی کیفری. جلد دوم. تهران. نشر میزان.

قانونگذار انجام تحقیقات مقدماتی تمام جرایم را در حیطه وظایف وی قرار داده است تا با رعایت اصل برائت و آزادی افراد با رعایت بی طرفی نسبت به جمع آوری ادله له و علیه متهم اظهار نظر نماید! کشور فرانسه پرچم دار این نظام بوده است در نظام داری بازپرس آنچه حائز اهمیت است اینکه بازپرس در کنار شأن تحقیقی خود واجد شأن قضایی نیز می باشد که بر مبنای آن به سلب حق آزادی افراد یا حریم خصوصی آنان و تصمیم گیری راجع به کفایت یا عدم کفایت ادله اثباتی علیه متهم در قالب یک قرار اعلام می دارد، قرار صادره در صورتی که بازپرس به این نتیجه برسد که اتهام به متهم مناسب است، قرار جلب به دادرسی در غیر اینصورت یعنی در صورتی که متهم مرتکب جرمی نشده باشد یا دلیل کافی بر توجه اتهام به متهم وجود نداشته باشد قرار صادره منع تعقیب خواهد بود اما آنچه که در این خصوص مهم است بحث راجع به این موضوع است که بازپرس در صدور قرار جلب به دادرسی با منع تعقیب از حیث اقتناع وجدانی به چه ملاکی پایبند است آیا باید فراتر از هر شک معقولاً اعلام نظر نماید یا آنکه وجود یک دلیل معقول یا ظنی^۳ کفایت

آنچه حداقل از حیث عملی می توان گفت آن است که بازپرس در صدور تصمیم نهایی با اقتناع وجدانی قضایی کامل به ضابطه «فراتر از هر شک معقول» نزدیک است، به تصمیم گیری اقدام نموده و وجود یک یا چند دلیل معقول را در اتخاذ تصمیم کافی نمی داند نتیجه منطقی آن است که در فرایند دادرسی کیفری اقتناع وجدانی دو قاضی لازم است که در یک طرف بازپرس و در طرف دیگر قاضی دادگاه قرار دارند که این امر موجب اطاله دادرسی در پرونده های کیفری می گردد.

تحقیقات مقدماتی:

تحقیق، در لغت به معنای بررسی، مطالعه، درست کردن و پژوهیدن است^۵. تحقیقات مقدماتی، به مجموعه اقدامات قانونی گفته می شود که از سوی بازپرس یا دیگر مقام های قضایی، برای حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می شود. تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقداماتی است که برای کشف، حفظ آثار و ادله وقوع جرم و تعقیب متهم از بدو پیگرد قانونی تا تسلیم پرونده به مرجع قضایی صورت می گیرد. تحقیقات مقدماتی، یکی از مهم ترین مراحل دادرسی کیفری است؛ زیرا مهم ترین دلایل و نزدیک ترین آن ها به زمان وقوع جرم، در طی این مرحله کشف خواهند شد^۶.

قلمرو تحقیقات مقدماتی:

با توجه به تعریف ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری از تحقیقات مقدماتی، قلمرو تحقیقات مقدماتی شامل سه دسته از اعمال قضایی می شود:

الف) جمع آوری دلایل، قراین و امارات جرم؛

^۱ - قانون آیین دادرسی کیفری. ماده ۹۳.

^۲ - Beyond any Reasonable doubt

^۳ - probable (reasonable) cause

^۴ - یوسفی. ایمان و رئیسی محمد صادق (۱۳۹۲) بررسی انتقادات وارده بر نهاد بازپرسی. مجله حقوقی دادگستری. شماره ۸۲. ص ۲۴۵۲۱۷.

^۵ معین، ۱۳۷۱: ۱۰۴۰.

^۶ ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

^۷ مدنی، ۱۳۸۵: ۱۴۳.

ب) جلوگیری از فرار یا پنهان‌شدن متهم و امحای آثار و علایم جرم؛
 پ) اظهار نظر درباره‌ی بزهکار بودن یا نبودن متهم دو روش است
 بر مبنای اصول و مقررات موجود در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و قانون آیین دادرسی
 کیفری مربوط به آن؛

دادستان می‌تواند در تحقیقات مقدماتی وجود داشته باشد و بر نحوه انجام وظیفه بازپرس نظارت کند اما
 نمی‌تواند جریان تحقیقات را متوقف سازد. در غیر از جریان موضوع ماده ۳۰۲ در صورت نبودن بازپرس
 دادستان دارای تمام وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است که می‌تواند این وظایف را به
 یکی از دادیاران خویش واگذار کند،

در برخی از جرایم که به دلیل ابعاد گسترده و خشونت بار ارتکاب آنها احساسات عمومی را جریحه‌دار
 می‌کند و جامعه خواستار آگاهی در این زمینه هستند، مقام رسمی مثل دادسرا یا رئیس کل دادگستری استثنائاً
 اطلاعاتی محدود از پرونده را جهت آگاهی افکار عمومی و جلوگیری از رواج شایعات بی اساس در اختیار
 رسانه‌ها و روزنامه‌ها قرار دهند.

تحقیقات مقدماتی و جایگاه بازپرس در نظام دادرسی اسلام:

در نظام دادرسی سنتی اسلام، بین مرحله ی تحقیقات مقدماتی و مرحله دادرسی، مرز مشخصی وجود
 ندارد و «مرحله ی تحقیق مقدماتی از مرحله ی رسیدگی قطعی تفکیک نشده است. قاضی رسیدگی کننده
 صلاحیت دارد به تمام مراحل رسیدگی کند، حکم بدهد و آن را به موقع اجرا بگذارد»؛ به بیان دیگر، در نظام
 دادرسی اسلام، قاضی خود نقش ضابط قضایی را بر عهده دارد؛ یعنی وظیفه ی تحقیق، جمع آوری دلایل
 محاکمه و صدور حکم را به تنهایی انجام می‌دهد؛ در واقع، این نظام بر مبنای وحدت قاضی بنا شده است
 و اجرای این اصل (وحدت قاضی) نیز مقید به وجود شرایط در قاضی از قبیل شرایط اجتهاد و عدالت به مفهوم
 فقهی و شرعی آن است^۱ آنچه مهم است آنکه در نظام دادرسی اسلامی بازپرس در انجام تحقیقات مقدماتی از
 جایگاه خاصی برخوردار نمی‌باشد.

تحقیقات مقدماتی در قوانین جزایی کشور:

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۷، با مدّ نظر قرار دادن
 معنای مؤسّع این اصطلاح مقرر می‌دارد: «تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقداماتی است که برای کشف جرم و
 حفظ آثار و ادلّه وقوع آن و تعقیب متهم از بدو پیگرد قانونی تا تسلیم به مراجع قضایی، صورت می‌گیرد. در
 تعریف پیش گفته، مقام متصدی انجام تحقیقات، مشخص نشده است. تعریفی که قانون‌گذار از تحقیقات
 مقدماتی ارائه داده، بدون شک ناقص و نارسا است؛ زیرا طبق این تعریف، اقدامات قاضی تحقیق، خارج از
 شمول این تحقیقات قرار می‌گیرد»^۲.

با توجه به بند "و" ماده ۳ قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب
 ۱۳۸۱، تحقیقات مقدماتی تمام جرایم، بر عهده بازپرس است. در جرایمی که در صلاحیت رسیدگی دادگاه
 کیفری استان نیست، دادستان نیز دارای کلیه وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس مقرر شده است.^۳

تحقیقات مقدماتی در قوانین جزایی سایر کشورها

^۱ گلدوست جویباری، ۱۳۸۸: ۳۴

^۲ شاملو احمدی، ۱۳۸۳: ۱۷

^۳ آشوری، ۱۳۸۷: ۱۱

تحقیقات مقدماتی، از اختیارات قانونی مقامات تعقیب و پلیس به عنوان ابزار انسانی مراحل دادرسی کیفری در نظام های حقوقی کامن لای انگلستان و رومی ژرمنی در کشورهای فرانسه و آلمان است. در رویه دادرسی کیفری انگلستان با رعایت اصول دادرسی عادلانه، پلیس دارای اختیارات قانونی و مستقل به جای دادرسی کشف جرم و تحقیقات مقدماتی است و اداره دادستانی سلطنتی، نهاد تعقیب و طرح کیفر خواست در دادگاه های آن کشور است. وظیفه پلیس در انگلستان از زمان کشف جرم شروع می شود و پیش از شروع به تعقیب، پلیس مسئول تحقیق و تحصیل دلایل در خصوص جرم است!

ویژگی های تحقیقات مقدماتی:

تحقیقات مقدماتی دارای چهار ویژگی مهم است که این ویژگی ها عبارت اند از:

۱- سریع بودن؛ سریع بودن از ویژگی های بارز تحقیقات مقدماتی به شمار می رود؛ بنابراین، تحقیقات مقدماتی می بایست بدون فوت وقت انجام گیرد. مواد ۴۰ تا ۴۲ و همچنین ماده ۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری گویای این امر است.

۲- غیر علنی بودن (محرمانه بودن)؛ غیر علنی بودن تحقیقات مقدماتی، یعنی اینکه به غیر از افرادی که در امر جزایی دخالت دارند، افراد دیگر نباید در جلسه تحقیق حاضر باشند. مواد ۴۰، ۹۱، ۹۶، ۱۰۰، ۱۹۲ و ۲۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری نیز به این امر اشاره کرده اند.

به منظور تضمین صحت اوراق بازجویی در تحقیقات مقدماتی باید توجه خاص و ویژه ای شود و اگر محتویات پرونده مخدوش باشد و یا در صحت و درستی آن شک و شبهه وجود داشته باشد؛ رسیدن به اجرای عدالت کیفری با چالش جدی روبرو می شود، و زمینه های گمراهی مقامات قضایی در صدور حکم فراهم می شود و تشخیص حق از باطل نیز دشوار و سخت می آورند و ضمانت اجرا هم در این ماده ۱۱۵ پیش بینی شده به این دلیل است که مقامات قضایی و ضابطان دادگستری در تنظیم اوراق بازجویی و صورت مجلس تحقیقات مقدماتی مراقب بیشتری به عمل آورند.

۳- کتبی بودن؛ برابر ماده ۱۱۵ آیین دادرسی کیفری و مواد ۱۳۱ و ۱۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب، شرح مبسوط تمامی تحقیقات مقدماتی بایستی بدون کوچک ترین تحریف یا تغییری نوشته شود.^۲

۴- غیر ترافعی بودن؛ منظور از غیرترافعی بودن این است که متهم مکلف است خودش به پرسش ها جواب بدهد وکیل مدافع، حضور فعالی در تحقیقات مقدماتی ندارد.^۳

تقویت حقوق دفاعی متهم در تحقیقات مقدماتی

با توجه به اهمیت ویژه تحقیق از متهم در فرایند تحقیقات مقدماتی، برحسب اصول دادرسی منصفانه، قبل از شروع بازجویی، باید تضمین های دقیقی در حمایت از حقوق دفاعی متهم / متهمان لحاظ شود.^۴

در نظام دادرسی کیفری ایران، همانند بسیاری از کشورهای دیگر، چنین ضمانت هایی پیشبینی شده است، که برخی از مهم ترین آن ها عبارت اند از:

۱- ضرورت وجود دلایل کافی؛

۲- ثبت هویت متهم؛

^۱ حسینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۱

^۲ آخوندی، ۱۳۸۴: ۲۴

^۳ خالقی، ۱۳۸۸: ۱۴۳

^۴ کورنو ۲۰۰۸: ۱۴۹

۳- تذکر به متهم در خصوص مواظبت در اظهارات خود؛

۴- تفهیم اتهام با ذکر دلایل آن؛

۵- حق سکوت و اعلام آن ؛

۶- حق داشتن وکیل؛

۷- منع کاربرد روشهای علمی مخمل حق دفاع؛

۸- حقوق دفاعی متهمان در امر بازجویی!

صلاحیت باز پرس در انجام تحقیقات مقدماتی :

صلاحیت ، به اقتدار و شایستگی رسیدگی به یک امر گفته می شود که قانون گذار به قضات یک حوزه قضایی اعطا می کند در مقررات آیین دادرسی کیفری اصل بر این است که صلاحیت بازپرس بر اساس محل وقوع جرم تعیین می شود و قانون گذار کیفری در بند الف ماده ۱۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۳۱۰ آن قانون بر این مهم تأکید نموده است البته این قاعده به صورت مطلق نیست که بازپرس فقط در صورتی صلاحیت رسیدگی داشته باشد که جرم در حوزه استحقاقی وی محقق گردیده است.

آنچه مهم است آنکه تعیین محل وقوع جرم همیشه امر ساده ای نخواهد بود زیرا محل وقوع جرم بر اساس عنصر مادی جرم تعیین می گردد و عنصر روانی یا قانونی در تعیین محل وقوع جرم تأثیری ندارند و جرایم نیز از حیث عنصر مادی ساده، مرکب، آنی، مستمر، مطلق و مقید تقسیم بندی می شود که تعیین محل وقوع در پاره ای از موارد کمی دشوار خواهد بود به طور مثال اگر کسی در لارستان از طریق فکس به شخصی که در حوزه قضایی شیراز است توهین کند هرچند که توهین جرمی ساده است اما محل وقوع آن مبهم است یا درباره صلاحیت محلی در رسیدگی به جرم خیانت در امانت نسبت به اجناسی که برای حمل از شهرستان مبدأ به شهرستان مقصد تحویل راننده کامیون شده و اجناس مزبور به مقصد نرسیده باشد معلوم نیست که رکن مادی بزه خیانت در امانت در ه حوزه قضایی محقق گردیده است تا بازپرس آن حوزه صالح به رسیدگی دانسته شود.

در این خصوص در رویه قضایی سال های سال شکات با قرار عدم صلاحیت دادگاه محل تحویل و دادگاه مقصد مواجه بودند تا اینکه هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۵۴۷ مورخ ۶۹/۱۲/۲۷ بازپرس محل تحویل کالا را تا زمان احراز محل وقوع صالح دانسته است و در صورتی که محل وقوع شناسایی نگردد بازپرس آن محل صالح به اتخاذ تصمیم نهایی نیز می باشد همین رویکرد با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ در ماده ۶۶۵ در جرایم رایانه ای اتخاذ شده است تا چنانچه محل وقوع معلوم نباشد دادرسی محل کشف نسبت به انجام تحقیقات مقدماتی اقدام نماید همانگونه که در ابتدا بیان گردید قاعده صلاحیت رسیدگی حوزه قضایی محل وقوع جرم یک قاعده مطلق نبوده بلکه نسبی است و در پاره ای از موارد از آن عدول می گردد به طور مثال در بحث تعدد اتیان ، تعدد متهم که از آن به عنوان صلاحیت اضافی یاد می گردد و احاله در امور کیفری از آن عدول می گردد آنچه حائز اهمیت است تعارض صلاحیت شخصی با صلاحیت محلی است که قانون گذار در تبصره م ۳۱۱ آ د ک صلاحیت شخصی را بر صلاحیت محلی ارجحیت داده است و در این موارد نیز از صلاحیت محل وقوع جرم عدول می گردد نتیجه آن است که

^۱ بیرانوند و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۴۵-۲۰۳

چنانچه جرم در حوزه قضایی بازپرس واقع شود یا در حوزه دیگری واقع اما در حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شود.

یا اینکه جرم در حوزه دیگری واقع شود ولی متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه محل مأموریت بازپرس مقیم باشد صلاحیت رسیدگی دارد در حالیکه در دو مورد اخیر فقط صلاحیت انجام تحقیقات مقدماتی دارد و بعد از تحقیق پرونده با قرار عدم صلاحیت به دادرسی صالح ارسال تا در دادرسی صالح تصمیم نهایی اتخاذ گردد.

تحقیقات مقدماتی جرایم اطفال و نوجوانان:

قانون گذار در تبصره ۲ ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد: «در جرایم مشهود، هرگاه مرتکب، طفل یا نوجوان باشد، ضابطان دادگستری (پلیس) باید نسبت به حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم اقدام کنند؛ اما اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری وی، موظف اند متهم را حسب مورد، فوری به دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. انقضای وقت اداری و نیز ایام تعطیل، مانع از رجوع به دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست». همچنین در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه ای از دادرسی عمومی و انقلاب با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می شود. تحقیقات مقدماتی جرایم افراد پانزده تا هجده سال، به جز جرایم موضوع مواد (۳۰۶) و (۳۴۰) این قانون که به طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می گیرد، در این دادرسی به عمل می آید. تحقیقات مقدماتی تمامی جرایم افراد زیر پانزده سال به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می آید و این دادگاه تمام وظایفی را انجام می دهد که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادرسی است.

بازپرس؛ رعایت بی طرفی:

مفهوم بی طرفی به عنوان مبنای شکل گیری بازپرس، مستلزم تعریف و دایره ی شمول آن است آنچه در کتب لغت راجع به اصطلاح «بی طرفی» آمده است بیشتر با ویژگی های سیاسی این عنوان انطباق دارد «بی طرفی در اصطلاح سیاسی، عمل و دخالت بی طرف است» اما بی طرفی در علم آیین دادرسی کیفری مفهومی بسیط نبوده و شامل دو شکل بی طرفی ساختاری و بی طرفی قضایی است که بی طرفی ساختاری مرتبط با نهادها و حقوقی است که در فرایند آیین دادرسی کیفری به دنبال رعایت کامل حقوق طرفین و یا به عبارتی دیگر رعایت اصل تساوی سلاح ها و تحقق یک دادرسی منصفانه است اما بی طرفی قضایی به ویژگی های شخصی قاضی رسیدگی کننده مربوط است در فرایند تحقیقات مقدماتی در تعریف بی طرفی می توان گفت: بی طرفی وضعیتی است که در آن هر یک از طرفین پرونده اعم از شاکی و دادستان و متهم بطور آزادانه دلایل خود ارائه، بازپرس یا مقام قضایی رسیدگی کننده بدون هیچ گونه جانبداری روند تحقیقات یا دادرسی را هدایت نمایند بی طرفی موضوع این مقاله مرتبط با نهاد بازپرس، بی طرفی ساختاری است.^۱

بازپرس؛ اطلاع دادرسی:

در مدل دارای بازپرس، بر عکس مدل بدون بازپرس تاکید بر روی مرحله تحقیقات مقدماتی است بازپرس در این مدل ها برعکس دادستان در مدل بدون بازپرس مکلف به جمع آوری کلیه ی دلایل است

^۱ - دهخدا. علی اکبر(۱۳۷۲) لغت نامه دهخدا. جلد سوم. چاپ اول. تهران. موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

^۲ فضائلی. مصطفی(۱۳۷۸) دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین المللی چاپ اول. تهران. موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.

^۳ - یوسفی. ایمان(۱۳۹۲) تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری. چاپ اول. تهران انتشارات جنگل.

موضوعی که معیار «دلیل معقول» را در مدل بدون بازپرس به معیار «فرا تر از هر شک معقول» در مدل دارای بازپرس نزدیک می‌نماید این به آن معناست که بازپرس باید در تحقیقات مقدماتی به اقتناع وجدانی کامل در خصوص انتساب رفتار به متهم پرونده رسیده و بر همین اساس اظهار نظر نماید آنچه حائز اهمیت است آن که اگر قرار باشد قاضی دادگاه برای محاکمه و صدور حکم محکومیت کیفری شخصاً به اقتناع وجدانی کامل برسد و سپس تصمیم‌گیری نماید نیازی به اقتناع وجدانی قاضی دیگری در مرحله تحقیقات مقدماتی نیست و از اثرات منفی آن قطعاً اطلاع دادرسی و فرسایشی شدن پرونده کیفری از یک طرف و تاثیر پذیری روانشناختی قضات دادگاه از اقتناع وجدانی بازپرس که شخصاً اقدام به جمع‌آوری ادله وقوع جرم نموده از طرف دیگر است.

آنچه که در نقش بازپرس به عنوان عامل اطلاع دادرسی تقویت می‌نماید پرداختن به مواردی است که از صلاحیت ذاتی دادرسی و بازپرس خارج و مستقیماً در صلاحیت دادگاه است مطابق ماده ۱۹ از قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵ رسیدگی به اتهامات مربوط به تخلفات در رابطه با وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور در صلاحیت دیوان عالی کشور و در جرایم عادی در دادگاه‌های عمومی تهران و با اطلاع مجلس صورت می‌گیرد که به موجب تبصره ذیل آن ماده هر کدام از اتهامات آن مقام به صورت مستقیم در دادگاه انجام و دادرسی یا بازپرس حق هیچ‌گونه دخالتی ندارند یا در جرایم منافی عفت که مرتکب حتی در برخی موارد از مجازات سلب حیات برخوردار است با این درجه از اهمیت به صورت تک مرحله‌ای و بدون انجام تحقیقات از سوی بازپرس، رسیدگی می‌گردد حال رسیدگی دو مرحله‌ای در جرایمی که از ایت کمتری برخوردار است به صورت دو مرحله‌ای و با دو اقتناع وجدانی جدای از یکدیگر چیزی جز اطلاع دادرسی در بر نخواهد داشت.

جمع دو شأن قضایی و تحقیقی در باز پرس!

هدف اصلی مرحله تحقیقات مقدماتی در آیین دادرسی کیفری جمع‌آوری دلایل و شناسایی مرتکب یا مرتکبین آن است در امور کیفری اصل تحصیل آزادانه‌ی دلایل حاکم است مطابق ماده ۹۲ اصلاحی آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۴/۰۳/۲۴ تحقیقات مقدماتی تمام جرایم بر عهده بازپرس است که با شکایت شاکی و ارجاع از سوی دادستان و یا در زمانی که بازپرس شخصاً ناظر وقوع جرم است آغاز می‌گردد. اقدامات تحقیقی بازپرس طیف گسترده‌ای را در بر می‌گیرد و شامل مواردی چون تحقیق از شاکی و شنیدن اظهارات وی، احضار متهم، جلب بازجویی از متهم، تفتیش منازل و بازرسی از اماکن، معاینه محل، تحقیقات محلی، جلب نظر کارشناس، اعطای نیابت به سایر مراجع قضایی، استماع اظهارات شهود و... است که میتواند شخصاً یا با ارجاع موضوع به ضابطان دادگستری اقدام نماید آنچه از شأن تحقیقی بازپرس به ذهن متبادر می‌گردد آن است که شأن تحقیقی بازپرس بیشتر به شأن پلیسی نزدیک تر می‌باشد اما بازپرس در کنار شأن تحقیقی خود از شأن قضایی نیز برخوردار است^۱ شأن قضایی بازپرس ایرانی در ارتباط با تصمیمات متعددی است که با عنوان قرار یا دستور شناخته می‌شود آنچه حائز اهمیت است آنکه شأن قضایی بازپرس صرفاً مربوط به قرارهای اعدادی نبوده و قرارهای نهایی نیز نشان دیگری از این شأن است بازپرس بعد از جمع

۱- تدین. عباس(۱۳۸۸) تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری. چاپ اول. تهران نشر میزان.

۲- a chair for two

۳- Schwartz.vergini(2007)comparing U.S and French models of criminal pre-trial investigation: a thesis submitted to Stanford university for the degree of master of the science of law.

آوری ادله و اعلام ختم تحقیقات مبادرت به صدور قرار های نهایی متعددی می نماید که تصمیم گیری بازپرس در کفایت یا عدم کفایت ادله اثباتی در انتساب رفتار به متهم از اهمیت بیشتری برخوردار است آنچه گفته شد نشان می دهد که شأن قضایی بازپرس در قرار های اعدادی مانند قرار های تامین، قرار های نهایی همانند جلب به دادرسی و نیز دستورات خطاب به ضابطین همانند دستور جلب و تفتیش متبلور است. عنوان «بازپرس یک عنوان و دو مقام» نیز در این مقاله به این علت انتخاب شده تا شئون دوگانه بازپرس یعنی «تحقیق»^۱ و «قضاوت»^۲ نشان داده شود تعریفی که آبراهام گلداستین و مارتین مارکوس از بازپرس ارائه کرده اند به بهترین شکل شئون دوگانه بازپرس را نشان میدهد «بازپرس مقامی است که جمع کننده ویژگی های بیطرفی قوه قضائیه مهارت های تحقیقی و تخصصی پلیس و نیز ویژگی های قضاوت هیئت منصفه [یا همان گرند جوری]^۳ است». به هر حال و با توجه به تعریف فوق از بازپرس می توان گفت هر چند بازپرس یک عنوان بیش نیست اما دو شان کاملاً متفاوت تحقیقاتی و قضائی را در خود جمع کرده است.^۴

آسیب شناسی :

الف: عدم نیاز به دو اقتناع وجدانی

در مدل دارای بازپرس، برعکس مدل بدون بازپرس تاکید بر روی مرحله تحقیقات مقدماتی است بازپرس در این مدل ها مکلف به جمع آوری کلیه دلیل است مساله مهم آن است که بازپرس پس از جمع آوری بی طرفانه دلایل و با پایان یافتن مرحله تحقیقات مقدماتی یا اقتناع وجدانی کامل عقیده خود را در خصوص کفایت یا عدم کفایت ادله اثباتی در قالب یک قرار اعلام می دارد که نتیجه آن یا انتساب ادله اثباتی به متهم یا عدم انتساب آن به متهم است که به ترتیب موجب صدور قرار جلب به دادرسی یا منع تعقیب می گردد. این در حالی است که قضاوت دادگاه نیز برای صدور حکم محکومیت باید شخصاً با رسیدن به اقتناع وجدانی اقدام به صدور رای نمایند که دو اقتناع وجدان قضایی در فرایند رسیدگی به یک پرونده کیفری نه تنها لازم نیست بلکه دارای اثرات منفی از جمله تاثیر پذیری روانشناختی قاضی دادگاه از موضوع خواهد بود زیرا قاضی دادگاه نیز با پرونده ای مواجه است که کلیه دلیل در آن جمع آوری شده و از سوی دیگر مقامی قضایی و نه اجرایی، مسئول و مدیر آن بوده است و نتیجه آن عدم دقت و تمرکز کافی خواهد بود و بی شک حقوق دفاعی متهم نیز ممکن است نادیده گرفته شود و شکستن سبوی حق متهم به فدای تار زلف بازپرس اهمیتی نداشته باشد و از طرفی دیگر وجود دو اقتناع وجدانی در یک پرونده بدون آن که به اقتناع وجدانی مرحله تحقیقات مقدماتی نیاز باشد موجب آن می گردد تا وقت طولانی صرف جمع آوری دلایل توسط بازپرس شود و پس از پایان کار بازپرس، قاضی دادگاه مجدداً به همان دلایل پرداخته و در واقع آنها را بازبینی می کند که این به معنای رسیدگی به دلایل در دو مرحله است و نتیجه ای جز اطاله دادرسی نخواهد داشت.^۵

۱ - جوانمرد. بهروز (۱۳۸۹) فرایند دادرسی در حقوق کیفری ایران. چاپ اول. تهران. انتشارات بهنامی.

۲ - گلدوست جویباری. رجب (۱۳۸۸) کلیات آیین دادرسی کیفری. چاپ چهارم. تهران. انتشارات جنگل.

۳ - Investigation

۴ - Adjudication

۵ - هیئت منصفه عالی یا گرند جوری نهادی است در ایالات متحده آمریکا که در جرایم با اهمیت بیشتر و پی از آنکه دادستان تحقیقات مقدماتی را به پایان رساند؛ راجع به آنکه آیا دلیل کافی علیه متهم وجود دارد یا خیر تصمیم گیری می کند. بر مبنای رای صادره از هیات منصفه عالی دادستان کیفرخواست صادر و اپرونده جهت رسیدگی به دادگاه ارسال می گردد.

۶ - Goldstein, Abraham and Marcus, Martin (1977) The myth of judicial supervision in three inquisitorial systems: France, Italy and Germany. The Yale Law Journal, Vol 87, No 2, PP247-248

۷ - یوسفی. ایمان (۱۳۹۵) آیین دادرسی کیفری. جلد دوم. تهران نشر میزان.

۸ - تدین. عباس (۱۳۸۸) تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری. چاپ اول. تهران نشر میزان

۹ - یوسفی. ایمان (۱۳۹۵) آیین دادرسی کیفری. جلد دوم. تهران نشر میزان.

ب: شبهه در بی طرفی

ایجاد دو نهاد دادستانی و بازرسی در مرحله تحقیقات مقدماتی در کنار هم مانع تمرکز و موجب رد و بدل شدن مداوم پرونده بین این دو شخصیت است که نتیجه آن عدم انسجام و یک پارچگی در مرحله تحقیقات مقدماتی است! بازپرس مقامی است که با تأکید مرحله تحقیقات مقدماتی از طریق جمع آوری ادله اقدام و بر اساس ادله جمع آوری شده اظهار عقیده می نماید آنچه مهم است آنکه مقامی که خود تحقیقات را از طریق جمع آوری دلایل انجام داده با تأثیر پذیری از آن دلایل و با داشتن ذهنیت خاص نسبت به طرفین پرونده نمی تواند در تصمیم گیری راجع به آزادی یا بازداشت متهم بی طرف باشد و ادعای بازپرس مبنی بر اینکه من قاضی بی طرفی هستم ادعایی صرفاً لفظی بوده و در عمل امکان رعایت بی طرفی توسط او وجود ندارد در واقع در مدل های دارای بازپرس فقط بخاطر مسائل و مشکلات عملی پیش رو هدف مطلوب که تفکیک مراحل تعقیب و تحقیق و رعایت اصل بی طرفی بوده به ورطه فراموشی سپرده شده است و از این جهت موضع مدل های دارای بازپرس می توان، نوعی ایده آل گرایی شکست خورده دانست زیرا از یک سوء برای رعایت بی طرفی نهاد بازپرس ایجاد و مرحله تحقیق به او سپرده شده و از سوی دیگر در پرونده های کم اهمیت تر دادستان و دادیار نیز متصدی مراحل تعقیب و تحقیق هستند این انتقاد و آسیب زمانی پر رنگ تر می گردد که دادستان و دادیار به عنوان مقام تعقیب در پرونده های کم اهمیت تر می توانند دارای شئون تحقیقی و قضایی باشند موضوعی که با آزادی و حریم خصوصی افراد در تعارض است این به آن معنا است که دادستان به عنوان مقام تعقیب ضمن انجام تحقیقات مقدماتی می تواند در خصوص آزادی و یا بازداشت متهم و نیز کفایت یا عدم کفایت ادله اثباتی در انتساب رفتار به متهم تصمیم گیری نماید.^۱

نتیجه:

بازپرس، اسطوره ای که فلسفه شکل گیری آن مقدس و روزی ناپلئون آن را بعد از خود مقتدر ترین شخص در کشور فرانسه می دانست با هدف تضمین حقوق متهم و رعایت اصل بی طرفی شکل گرفت اما در دوران کنونی در سیستم عدالت کیفری مانند قطعه ای نامناسب است که موجب اطاله دادرسی و اختلال در دستگاه قضایی می گردد زیرا نمی توان از یک انسان معمولی توقع داشت که دلایل جرم را جمع آوری و به تحقیقات راجع به وقوع یا عدم وقوع جرم و انتساب یا عدم انتساب آن به متهم پرداخته اما قضاوتی بی طرفانه انجام دهد و دیدگاه قانونگذار کیفری که بازپرس را یک مقام بی طرف در جمع آوری ادله معرفی نموده است انتظاری است که از یک انسان ماورای طبیعی داشته است نه یک انسان معمولی، آنچه که از یک بازپرس انتظار است، آن که با اقتناع وجدان کامل در پایان تحقیقات مقدماتی تصمیم گیری کرده و کار پایانی خود را بر مبنای یک یا چند دلیل معقول استوار نسازد در حالیکه در قوانین کیفری رویکرد قانونگذار مبنی بر اقتناع وجدانی در مرحله محاکمه است و از نظر قانونگذار اقتناع وجدان در این مرحله لازم و ضروری است و به اقتناع وجدانی مقام دیگری در مرحله تحقیقات مقدماتی نیازی نیست. از طرفی عدم مداخله بازپرس در جرایم کم اهمیت تر و مداخله دادستان به عنوان طرف دعوا با شأن قضایی، آن هم با حق تصمیم گیری در خصوص مهمترین عطایای الهی از جمله حق آزادی و حریم خصوصی، قضاوت را به سمت مدل بدون

۱- یوسفی. ایمان (۱۳۹۱) مدل های تحقیقات مقدماتی. رساله دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی. دانشگاه تهران. پردیس قم.

۲- یوسفی. ایمان و رئیسی محمد صادق (۱۳۹۲) بررسی انتقادات وارده بر نهاد بازپرسی. مجله حقوقی دادگستری. شماره ۸۲. ص ۲۴۵، ۲۱۷-۲۴۵.

۳- یوسفی. ایمان (۱۳۹۵) آیین دادرسی کیفری. جلد دوم. تهران نشر میزان.

منابع:

الف) منابع فارسی

۱. آخوندی، محمود (۱۳۸۴). آیین دادرسی کیفری. چاپ دوم. جلد پنجم. تهران: نشر میزان.
۲. آشوری، محمد (۱۳۸۷). آیین دادرسی کیفری. تهران: انتشارات سمت.
۳. براری لاریمی، محمد و قبولی درافشان، سید محمد تقی (۱۳۸۹). حقوق متهم با رویکردی فقهی. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات فقه و حقوق اسلامی. سال دوم، شماره دوم. ۲۳-۵۱.
۴. بیرانوند، رضا. کوشا، جعفر و رنجبر، بهرام (۱۳۸۹). وظایف پلیس شهروندمدار در رعایت حقوق شهروندی متهمان. فصلنامه علمی پژوهشی دانش انتظامی. سال دوازدهم. شماره سوم. ۲۴۵-۲۰۳.
۵. تدین، عباس (۱۳۸۸). تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
۶. جعفری، آزاد (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی تحقیقات مقدماتی و کشف جرم در انگلستان و ایران. مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه. دوره ۲.
۷. جوانمرد. بهروز (۱۳۸۹). فرایند دادرسی در حقوق کیفری ایران. چاپ اول. تهران: انتشارات بهنامی.
۸. حسینی، سید حسین و شایگان فرد، مجید و عرفانی، عطا (۱۳۹۲). فرآیند تحقیقات جنایی و کشف جرم توسط پلیس تهران با نگاهی به حقوق انگلستان و آمریکا. دانش انتظامی خراسان رضوی
۹. خالقی. علی (۱۳۹۵). نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری. چاپ هفتم.
۱۰. خالقی، علی (۱۳۸۸). آیین دادرسی کیفری. چاپ دوم. تهران: انتشارات شهردانش.
۱۱. دهخدا. علی اکبر (۱۳۷۲). لغت نامه دهخدا. جلد سوم. چاپ اول. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۲. ساقیان، محمد مهدی (۱۳۹۳). تقویت حقوق و آزادی های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲. پژوهش حقوق کیفری. سال دوم
۱۳. شاملو احمدی، محمد حسین (۱۳۸۳). دادسرا و تحقیقات مقدماتی. اصفهان: نشر دادیار.
۱۴. طهماسبی. جواد (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری. جلد دوم. تهران: نشر میزان.
۱۵. فضائلی. مصطفی (۱۳۷۸). دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین المللی چاپ اول. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۱۶. گاستون. استفانی و لواسور ژرژ و بلوک. برنا (۱۳۷۷). آیین دادرسی کیفری. ترجمه حسن دادبان. جلد اول. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۷. گلدوست جویباری. رجب (۱۳۸۸). کلیات آیین دادرسی کیفری. چاپ چهارم. تهران: انتشارات جنگل.
۱۸. یوسفی. ایمان (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری. جلد دوم. تهران: نشر میزان.
۱۹. یوسفی. ایمان و رئیس. محمد صادق (۱۳۹۲). بررسی انتقادات وارده بر نهاد بازپرسی. مجله حقوقی دادگستری.
۲۰. یوسفی. ایمان (۱۳۹۱). مدل های تحقیقات مقدماتی. رساله دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی. پردیس قم.
۲۱. یوسفی. ایمان (۱۳۹۲). تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری. چاپ اول. تهران: انتشارات جنگل.
۲۲. یوسفی. ایمان (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری. جلد دوم. تهران: نشر میزان.

ب) منابع انگلیسی

- Goldstein .Abraham and Marcus. Martin(1977) The myth of judicial supervision in three inquisitorial systems: France. Italy and Germany. The yale law Journal. Vol 87. No 2. PP247-248
- Schwartz.vergini(2007)comparing U.S and French models of criminal pre-trial investigation: a thesis submitted to Stanford university for the degree of master of the science of low.